



## The Structural relationships among Dogmatism, Identity style, commitment and religious faith in Youth

Javad Farshbaf-Zivari , Abbas Bakhshipour Roudsari

### Abstract

**Background and Aim:** Present research intends to evaluate structural equations among dogmatism, identity styles, commitment and religious faith using Structural Equation Modeling (SEM). Hypothesis indicates that individuals who are dogmatic considering their cognitive style, are more likely to have normative identity style, more committed to their beliefs and more prepared to accept religious faith. **Methods:** This research is descriptive-correlative type. 160 young people from Tabriz, Iran participated and they had the age of 20 to 35 years old. Mentioned group responded to Rokeach's Dogmatism scale, fifth version of Identity Style Inventory (ISI-5) and The Santa Clara Strength of Religious Faith Questionnaire (SCSORF). Data analysis administered using Exploratory Factor Analysis, Confirmatory Factor Analysis and Structural Equation Modeling. In addition, in order to categorize, analyze and compute data SPSS ver.25 and SPSS Amos ver.24 applications were used. **Results:** Assessment of the model based on hypothesis clarified that it's fitting according to model fit scores (CFI=0.94, GFI=0.95, NFI=0.89, RMSEA=0.081). Also, correlations between variables were in the same direction with predicted model ( $p < 0.05$ ). **Conclusion:** Generally, present article concluded there is a strong relationship between dogmatism-related cognitive style and identity style formation which leads to high levels of commitment and tendency to religious belief and faith.

**Received:** 08.11.2021

**Revision:** 24.01.2022

**Acceptance:** 13.02.2022

### Keywords:

*cognitive style, commitment, dogmatism, identity style, religious faith*


### How to cite this article:

Farshbaf-Zivari, J.  
Bakhshipour Roudsari A.  
The Structural relationships among Dogmatism, Identity style, commitment and religious faith in Youth. *Bi-Quarterly Journal of studies and psychological news in adolescents and youth*, 2022, 2(2): 60-69

### Article type

Original research

**1. Javad Farshbaf-Zivari**, M.A. Student in Clinical Psychology of Child and Adolescent, University of Tabriz, Tabriz, Iran, **2. Abbas Bakhshipour Roudsari**, Professor, Psychology Dept., Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

 Correspondence related to this article should be addressed to **Javad Farshbaf-Zivari**, M.A. Student in Clinical Psychology of Child and Adolescent, University of Tabriz, Tabriz, Iran  
Email: javad.farshbaf.zivari@gmail.com

## بررسی روابط ساختاری دگماتیسم، سبک هویت، تعهد و ایمان مذهبی در جامعه جوانان

جواد فرشباف زیوری<sup>✉</sup>؛ عباس بخشی پور رودسری

### چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر با هدف ارزیابی روابط ساختاری جزم اندیشی (دگماتیسم)، سبک های هویت، تعهد و ایمان مذهبی با استفاده از روش مدل یابی معادلات ساختاری انجام شد. فرض بر این است که افرادی که از نظر سبک شناختی، جزم اندیش اند به احتمال بالاتری سبک هویت هنجاری اختیار می کنند، تعهد زیادی به باور هایشان دارند و در نتیجه نسبت به ایمان مذهبی پذیرا تر هستند. روش پژوهش: پژوهش حاضر از نوع توصیفی همبستگی است. به این منظور ۱۶۰ نفر از جوانان ۲۰ تا ۳۵ ساله از شهر تبریز با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه های مقیاس بازنگری شده دگماتیسم روکیچ، نسخه پنجم پرسشنامه سبک هویت برزونسکی و پرسشنامه قدرت ایمان مذهبی سانتا کلارا، پاسخ دادند. تحلیل داده ها با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تاییدی و مدل یابی معادلات ساختاری انجام شد. همچنین برای طبقه بندی، تحلیل و پردازش داده ها، نرم افزار های آماری SPSS-ver. ۲۵ و SPSS Amos-ver. ۲۴ مورد استفاده قرار گرفت. یافته ها: ارزیابی مدلی که براساس فرضیه ترسیم شده بود، نشان داد که مدل فرضی با مدل اندازه گیری برازش دارد (CFI=۰/۹۴، GFI=۰/۹۵، NFI=۰/۸۹، RMSEA=۰/۰۸۱). همبستگی متغیر های پژوهش به صورت متناظر با مدل نیز معنی دارند (در سطح معنی داری  $p < ۰/۰۵$ ). نتیجه گیری: یافته های پژوهش علاوه بر حمایت از مدل فرضی، نشان می دهند جزم اندیشی به عنوان یک سبک شناختی چگونه در تشکیل هویت افراد و سنخ باور های آن ها تاثیر گذار است.

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۹/۱۷

اصلاح مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۰۴

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴

واژه های کلیدی:

ایمان مذهبی، تعهد، دگماتیسم، سبک شناختی، سبک هویت

نحوه ارجاع دهی به مقاله:

فرشباف زیوری. ج.، بخشی پور رودسری. ع. (۱۴۰۰). بررسی روابط ساختاری دگماتیسم، سبک هویت، تعهد و ایمان مذهبی در جامعه جوانان. *دوفصلنامه مطالعات و تازه های روان شناختی نوجوان و جوان*، ۲(۲): ۶۰-۶۹

نوع مقاله:

پژوهشی اصیل

۱. جواد فرشباف زیوری، دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی کودک و نوجوان، دانشگاه تبریز، ایران؛ ۲. عباس بخشی پور رودسری، استاد گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه تبریز، ایران

✉ مکاتبات مربوط به این مقاله باید خطاب به جواد فرشباف زیوری، دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی کودک و نوجوان، دانشگاه تبریز، ایران می باشد.

پست الکترونیکی: javad.farshbaf.zivari@gmail.com

## مقدمه

همه‌ی ما در محیط‌های گوناگون و مراحل مختلف زندگی با افرادی برخورد داشته‌ایم که بر صحت عقیده‌ی خود تاکید داشته‌اند و تغییر دادن نظرشان تقریباً غیر ممکن بوده است، چنین افرادی در زبان عامیانه با عناوینی چون یک دنده یا دگم شناخته می‌شوند. سوال این جا است که چرا این افراد تا این اندازه نفوذ ناپذیر و انعطاف ناپذیر اند و معتقدند فقط دیدگاه خودشان صحیح است در حالی که معمولاً این واقعیت را مصراً انکار می‌کنند. از نظر علمی این تحجر فکری و جزم اندیشی یک تفاوت فردی در سبک شناختی افراد شناسایی شده است و در بخش پیشینه کارهای دانشمندان روان‌شناسی در این زمینه معرفی خواهد شد. تفاوت در سبک شناختی بدین معنی است که فرد الگوی مشخصی از پردازش ذهنی و برخورد با مسائل دارد و این مساله تحت تاثیر ژنتیک و سبک فرزند پروری والدین او است. این واقعیت بر هرگونه شخصیت شکل یافته و هویت اتخاذ شده تقدم علی و زمانی دارد. ولی تاکید این پژوهش بر روی مساله‌ی هویت یابی در نتیجه‌ی این سبک شناختی جزم اندیش است، یعنی زمانی که این افراد به دنبال این هستند که بدانند واقعاً چه کسی هستند. به عبارتی، این مطالعه در پی پاسخ به این پرسش بنیادی است که، به چه طریق فرد دگماتیک وضعیت هویت ضبطی و سبک هویت‌هنجاری را به احتمال بالاتری اختیار می‌کند و تا چه اندازه تعهد و ایمان مذهبی به عنوان پیامد فکری و رفتاری، با این قضیه ارتباط نظری دارد. از لحاظ نظری این روکیچ<sup>۱</sup> (۱۹۶۰) بود که سازه دگماتیسم را تفاوتی در سبک شناختی افراد معرفی کرد. یعنی به مانند شاکله‌ی اصلی شخصیت سبک شناختی نیز از ابتدا و بدون اینکه انتخاب گر باشیم در ما ایجاد می‌شود و به ساخت‌های مغزی مان بستگی دارد. از منظر دیگر مساله‌ی افراد دگماتیک بیشتر از اینکه شخصیتی باشد هویتی است. هویت<sup>۲</sup> شکل گسترش یافته

و بررسی شده‌ی یک سوال اساسی است: من چه کسی هستم یا چه کسی می‌خواهم باشم. نخستین بار اریکسون<sup>۳</sup> بود که در نظریه‌ی روانی-اجتماعی خود با ترسیم طیفی از مراحل تحولی منطبق بر طول عمر افراد، مرحله‌ی پنجم را برای مقطع نوجوانی مرحله‌ی هویت در مقابل سردرگمی نقش نامید. در پژوهش حاضر هدف پژوهشی این است که در جامعه جوانان بررسی شود چگونه سبک شناختی دگماتیک به اتخاذ سبک هویت‌هنجاری منجر می‌شود و پیامد‌های قابل مشاهده‌ی آن چیست. نقش و مفهوم سبک هویت‌هنجاری پس از شناخت پیشینه‌ی مطالعه هویت روشن می‌شود.

در نظریه اریکسون هویت ایده‌آل هویتی منسجم، شفاف و پایا است که موجب ایجاد حس هدفمندی در شخص می‌شود و این موضوع نیز پایه‌های سازگاری موثر فرد با مشکلات، نیازها و مسائل پیش آمده را می‌سازد. سه مولفه‌ی عمده که اریکسون با شکل‌گیری هویت مرتبط می‌داند روانرنجوری، دگماتیسم و حس هدفمندی در زندگی است (اریکسون، ۱۹۶۸). خواهیم دید در پژوهش حاضر چگونه دگماتیسم یا جزم‌اندیشی از یک مولفه‌ی دخیل در رشد هویت از نظر اریکسون به یک خصوصیت‌هنجاری تغییر کرده است. فرآیند رشد هویت به عقیده‌ی شوارتز<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۵) فرآیندی پیشرونده است که شامل یکپارچه‌سازی آگاهانه‌ی باورهای فردی نسبت به خود، دیدگاه جامعه نسبت به او و تعهد نسبت به ارزش‌های شخصی و هدف‌های زندگی است؛ در ادامه‌ی مطالعه‌ی هویت دو موضوع بنیادی مطرح شده است: وضعیت هویت<sup>۵</sup> و سبک هویت<sup>۶</sup>. با وجود اینکه به عقیده‌ی کوته و لوین<sup>۷</sup> (۱۹۸۰) پارادایم جدید هویت که توسط مارسیا<sup>۸</sup> (۱۹۶۶) مطرح شد ابزاری کافی برای توضیح اظهارات اریکسون نیست ولی واضح است که معرفی مفهوم وضعیت هویت توسط مارسیا قدم بسیار بزرگی در این حوزه بوده است. مارسیا سازه‌ی پیشنهادی خود را با

1. Rokeach
2. identity
3. Erikson
4. Schwartz

5. Identity Status
6. Identity Style
7. Cote & Levine
8. Marcia

شیوه‌ی دوم خودکار، هنجاری و دستوری است؛ و شیوه‌ی سوم حالتی موکول کننده به بعد، سردرگم و اجتنابی دارد. دیدگاه پردازش اجتماعی-شناختی<sup>۲۰</sup> برزونسکی (۱۹۹۰، ۲۰۱۱) بر روی راهکارها و شیوه‌های شناختی تعامل با تعارضات هویتی تمرکز دارد. به همین دلیل در این پژوهش سبک هویتی به وضعیت هویتی ترجیح داده شده است، به این دلیل که دگماتیسم به مثابه یک سبک شناختی است و با مدل شناخت محور برزونسکی تناسب بیشتری دارد. این سه شیوه‌ی پردازش اطلاعات به معرفی سه سبک هویت اطلاعاتی<sup>۲۱</sup>، هنجاری<sup>۲۲</sup> و پراکنده-اجتنابی<sup>۲۳</sup> انجامید. با این وجود از لحاظ نظری، عملی و حتی ویژگی‌های روانسنجی ابزارهای اندازه‌گیری، دو سازه‌ی وضعیت و سبک هویت همبستگی بالایی با هم دارند چرا که سبک هویت با توجه ویژه بر جنبه‌ی پردازش شناختی پشت پرده‌ی وضعیت هویتی به وجود آمده است. افراد با سبک هویت اطلاعاتی، افرادی با حس تعهد و هدفمندی بسیار هستند، خودارزیابی می‌کنند، شک می‌کنند و به آموختن مطالب جدید در مورد خودشان علاقه-مند اند (برزونسکی، ۲۰۱۱). ولی طبیعی است که تمام افراد چنین سبک هویتی ندارند. افرادی که سبک هویت هنجاری دارند، با اینکه مثل سبک هویت اطلاعاتی حس تعهد و هدفمندی می‌کنند ولی تمایل دارند اهداف، توقعات و استانداردهای افراد مهم زندگی‌شان<sup>۲۴</sup> یا مرجعیت<sup>۲۵</sup> را درونی‌سازی کرده و آن‌ها را دنبال کنند. وضعیت هویتی این افراد معمولاً ضابطی است، تحمل ابهام پائین و نیازمندی زیادی به ساختمندی و نظام دارند. هدف اصلی آنان رسیدن به خودانگاره و ساخت هویتی تعیین شده و ثابت است. این سبک هویتی به این علت در مرکز توجه پژوهش است که ارتباط مفهومی هویت و جزم‌اندیشی را برقرار می‌کند. ویژگی‌های اصلی سبک

سنجش دو مقیاس و ویژگی در افراد طرح ریزی کرد. این دو ویژگی میزان خوداکتشافی یا کاوش<sup>۹</sup> و تعهد<sup>۱۰</sup> بودند. جالب است که این کاوش درونی به زعم اریکسون بحران<sup>۱۱</sup> هویت نام گرفته بود. کاوش در اینجا یعنی سعی در کنکاش آنچه فرد در مورد خود می‌داند یا می‌خواهد بداند و از طرفی تعهد به این معنی است که فرد تا چه اندازه به باورهای خاصی، چه کاوش شده و چه کاوش نشده، پایبند است، باور دارد و آن‌ها را دنبال می‌کند. مارسیا از این طریق چهار وضعیت هویتی را معرفی کرد: هویت دست‌یافته<sup>۱۲</sup>: کاوش و خوداکتشافی زیاد که منجر به تعهد بالا نسبت به باورهای به دست آمده شده است؛ هویت تاخیری<sup>۱۳</sup>: فرد درگیر کاوش است ولی هنوز تعهد زیادی ندارد؛ هویت ضابط<sup>۱۴</sup>: تمرکز این پژوهش بر روی این وضعیت خاص هویتی و سبک هویتی همبسته با آن است، در هویت ضابطی فرد تعهد شدیدی به باورهایش نشان می‌دهد درحالی که کاوش محدودی داشته است؛ و هویت پراکنده<sup>۱۵</sup>: فرد درگیر کاوش باورها نیست و تعهدی هم ندارد.

مشخص است که طبق پیشینه‌ی پژوهشی حدود چهل سال متممادی اکثر پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه‌ی هویت بر پایه‌ی الگوی وضعیت هویتی مارسیا استوار بود که هنوز هم مورد استفاده قرار می‌گیرد. ولی عده‌ای از پژوهشگران اقدام به تمرکز روی خود فرآیند تشکیل هویت را ضروری دانستند (برزونسکی<sup>۱۶</sup>، ۱۹۹۰؛ گروتوانت<sup>۱۷</sup>، ۱۹۸۷؛ کرپلمن، پیتمن و لامک<sup>۱۸</sup>، ۱۹۹۷). به طور خاص این برزونسکی و بارکلی<sup>۱۹</sup> (۱۹۸۱) بودند که فرضیه‌ای جالب توجه مطرح کردند. به نظر آن‌ها چهار وضعیت هویتی مارسیا در سه شیوه‌ی تعامل با تعارضات و مسائل مرتبط با هویت منعکس می‌شود. شیوه‌ی اول، شیوه‌ای مشخص و دارای جهت گیری منطقی است؛

18. Kerpelman, Pittman, & Lamke
19. Barclay
20. Social-cognitive
21. Informational
22. Normative
23. Diffusive-Avoidant
24. significant others
25. authority

9. self-exploration
10. commitment
11. crisis
12. achieved
13. moratorium
14. foreclosure
15. diffusion
16. Berzonsky
17. Grotevant

پژوهش های پالم و کلاین<sup>۳۱</sup> (۱۹۸۵) نشان داد افراد جزم‌اندیش سعی دارند از اطلاعاتی که با نظام باور آنها همخوانی ندارد اجتناب کنند و واکنش آن‌ها به این گونه اطلاعات ناهمخوان، نادیده گرفتن و کوچک نمایی آن‌ها است. دیویس<sup>۳۲</sup> (۱۹۹۸) بیان داشت که چگونه دگماتیسم بر شکل‌گیری باور اثر دارد و علت یابی مسائل توسط افراد جزم‌اندیش چه قدر به سمت همخوانی با نظام باور خودشان سوگیری دارد. موضوع بسیار مهم دیگر این است که افراد دگماتیک یا جزم‌اندیش بیشتر تحت تاثیر هویت منبع پیام قرار می‌گیرند تا محتوای آن (بتینگ‌هاوس<sup>۳۳</sup> و همکاران، ۱۹۷۰).

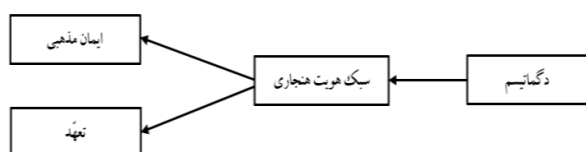
با این همه این روکیچ بود که به مفهوم سازی و ساخت مقیاسی برای دگماتیسم اقدام کرد. وی نظام باور افراد را چنین تعریف کرد: باورها، توقعات یا فرضیاتی که فرد در زمان مشخصی به عنوان آن چیزی که درست است می‌پذیرد و نظام ضد باور را به معنی تمام باورها، توقعات یا فرضیاتی که فرد باور ندارد یا در زمان مشخص مردود می‌داند معرفی نمود. نظام باور و ضد باور افراد جزم‌اندیش در سه ویژگی اساسی با دیگر افراد تفاوت دارد: جداسازی<sup>۳۴</sup>، تمایز<sup>۳۵</sup> و قابل فهم بودن<sup>۳۶</sup>. هر اندازه فرد دگماتیک تر باشد خود را از باورهای متضاد و ناهمخوان بیشتر جدا می‌کند و در مقابل تمایل و قابل فهم بودن کمتری دارد چرا که تمایز و قابل فهم بودن با غنای اطلاعات، چه همخوان و چه ناهمخوان، مرتبط است. به علاوه نشان داده شده است که این افراد تمایل دارند باورهای مرجعیت و افراد دارای قدرت را بپذیرند و جهت‌گیری زمانی محدودی نیز دارند یعنی بیشتر بر گذشته و آینده متمرکز اند تا زمان حال. مباحث فوق از لحاظ نظری سیناپس های بسیار مهمی با سبک هویت فرد یا ایمان مذهبی او هستند... در بافت فرهنگی بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران تاثیر باورهای دینی و اعتقادات مذهبی بر نگرش افراد قابل

هویت پراکنده-اجتنابی دور نگه داشتن بزنگاه تصمیم و تعارض است، این افراد تمایل دارند حتی‌الامکان تعلل کنند و حل تعارض یا مشکل را به تعویق بیندازند. در نتیجه واکنش آن‌ها غالباً تحت تاثیر پیامد های موقعیتی است نه باور های معین. موضوع پر اهمیت دیگر بازه‌ی سنی در مورد شکل‌گیری هویت است. هویت اساساً در دوره‌ی نوجوانی شروع به تشکیل می‌کند و پیش فرض بسیاری از پژوهشگران این بود که در بیشتر مواقع در طول زندگی فرد ثابت می‌ماند اما در پژوهشی جدید، باکراچوا<sup>۲۶</sup> (۲۰۲۰) نشان داد ۸۲ درصد از بزرگسالان در وضعیت و سبک هویتی خویش تجدید نظر کرده و هویت را بازسازی می‌کنند. این یافته تفاوت شخصیت و هویت را بیشتر نشان می‌دهد، هرچند روابط بسیار این دو مفهوم قابل چشم‌پوشی نیست. در این پژوهش، افراد از بازه‌ی سنی ۲۰ تا ۳۵ سال انتخاب شده‌اند که طبق یافته‌ی باکراچوا جزء بازه های دوران مهم تغییرات در هویت بازمانده از دوره‌ی نوجوانی است. همانطور که بیان شد دگماتیسم<sup>۲۷</sup> یا جزم‌اندیشی به یک تفاوت فردی در سبک شناختی اطلاق می‌شود که با مفاهیمی همچون ذهن بسته، تحجر و تعصب بی پایه بر باور ها و عقاید خود تعریف می‌شود. با گسترش روابط افراد در عصر تکنولوژی های نو و افزایش شدید انتقال اطلاعات، بررسی دگماتیسم و اینکه چگونه بعضی افراد به عقاید خود مصرانه می‌چسبند و در برابر پذیرفتن و انعطاف مقاومت نشان می‌دهند، ضروری به نظر می‌رسد. پس از معرفی سازه دگماتیسم توسط روکیچ، افراد زیادی رابطه دگماتیسم را با رفتارهای اجتماعی مختلف مورد بررسی قرار دادند برای مثال فرانکلین و کار<sup>۲۸</sup> (۱۹۶۰) رابطه دگماتیسم، تمایز شناختی و جداسازی را مورد بررسی قرار دادند. حجم اطلاعاتی که در نظام باور<sup>۲۹</sup> و ضد باور<sup>۳۰</sup> پردازش می‌شود در افراد دگماتیک یا جزم‌اندیش بسیار بیشتر است.

32. Davies
33. Betting house
34. isolation
35. differentiation
36. comprehensiveness

26. Bakracheva
27. dogmatism
28. Franklin & Carr
29. belief system
30. disbelief system
31. Palmer & Klain

خودکاوشرگان اطلاعاتی است. فرض پژوهش بر این است که افرادی که از لحاظ سبک شناختی جزم اندیش هستند، به احتمال بالاتری سبک هویتشان هنجاری خواهد بود و در نتیجه تعهد زیادی بر روی باورهایشان خواهند داشت و نسبت به پذیرش ایمان و آموزه های مذهبی آماده تر و متمایل تر خواهند بود. مدل فرضی پژوهش به قرار شکل شماره ۱ خواهد بود.



شکل ۱. مدل مفهومی روابط ساختاری جزم اندیشی (دگماتیسم)، سبک هویت هنجاری، تعهد و ایمان مذهبی

### روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، از نوع بنیادی و به لحاظ نحوه گردآوری داده ها، از نوع توصیفی همبستگی است. جامعه آماری پژوهش، همهی جوانان شهر تبریز در سال ۱۳۹۹ شمسی است. حداقل حجم لازم برای پژوهش حاضر بر این اساس که در تحلیل عاملی تاییدی و معادلات ساختاری برای هر عامل یا متغیر پنهان حداقل ۲۰ آزمودنی توصیه می شود و جمعا ۸ متغیر پنهان برای ۴ متغیر مشاهده پذیر استخراج شده است، حجم نمونه ۱۶۰ نفر انتخاب شده است. روش نمونه گیری در دسترس با توجه به شرایط شیوع ویروس کووید-۱۹ در زمان انجام پژوهش و محدودیت در نمونه گیری انتخاب شده است به گونه ای که افراد در بازه ی سنی مذکور در صورت تمایل و به صورت داوطلبانه از طریق ارتباط مجازی به سوالات پاسخ داده اند

### ابزار پژوهش

۱. نسخه پنجم پرسشنامه سبک هویت برزونسکی<sup>۳۹</sup> (۲۰۱۳): این پرسشنامه شامل ۲۷ گویه برای سبک های هویت و ۹ گویه برای سنجش تعهد است. از بین ۲۷ گویه این پرسشنامه دربردارنده ی مقیاس سبک

توجه است. در واقع ادیان ایدئولوژی هایی هستند که برای فرد و جامعه استاندارد هایی را ترسیم می کنند و به آن بار ارزشی می دهند. مفاهیم مطلق و از لحاظ علمی آزمون ناپذیر اعتقادات ممکن است در برخی افراد و در جوامعی که ایمان نقش مهمی در پذیرش و حمایت اجتماعی دارد تبدیل به باورهای قطعی و هنجاری افراد جامعه شود. ایمان مذهبی یک ویژگی معنوی<sup>۳۷</sup> است و بین تمامی ادیان مشترک است. برخی از این افراد که سبک هویت هنجاری اختیار کرده اند یعنی تحت تاثیر مراجع قدرت در خانواده و جامعه بوده اند و واکنش های تعیین شده و اتوماتیک دارند ممکن است حالت دگماتیک نیز داشته باشند و قدرت ایمان مذهبی<sup>۳۸</sup> شان نیز بی تاثیر نباشد. مسلماً نمی توان ایمان مذهبی را عامل مستقیم تعصب بر باورهای فردی دانست و حتی ایمان در برخی افراد ایجاد کننده ی رویکردی روشنفکرانه است ولی می تواند در مسئله ی بیان شده نیز متغیر تاثیر گذاری باشد. دو پایه ی مدل مارسیا، کاوش و تعهد بودند که به نظر می رسد در تغییر پارادایم از وضعیت هویتی به سبک هویتی که با تمرکز بیشتر بر روی فرآیند شناختی بوده است، کاوش درون سبک های سه گانه ی هویت جای گرفته است ولی برزونسکی علاوه بر در نظر گرفتن تاثیر ضمنی تعهد در بطن سبک های هویتی، در ساخت ابزارهای سنجش سبک هویت (ISI) تعهد را به عنوان مقیاسی مجزا قرار داده است که در پژوهش حاضر هم طبق همین روند، تعهد به عنوان همان عامل مشترک و مهم مدل پژوهشی و متغیری مجزا تعریف شده است. افراد دارای دگماتیسم بالا بر روی نظام باور خود تعهد افراطی دارند. یک فرد با ایمان بر برخی مفاهیم متعهد است و سبک های هویت هنجاری و اطلاعاتی تعهد قدرتمندی دارند. تایید این مدل بر دوش داده های پژوهشی و تحلیل های آماری است و باید از روابط منفی سبک های هویت اطلاعاتی و پراکنده نیز با سایر متغیرها حداکثر استفاده را برد برای مثال اجتناب عامل مشترک بین هویت پراکنده و دگماتیسم است و تعهد با کارکرد مثبت ویژگی

39. Identity Style Inventory (ISI-5)

37. spiritual

38. Strength of Religious belief

سعی دارد بدون تمرکز بر بار ارزشی، با عبارات شفاف و به صورت عملی میزان قدرت ایمان مذهبی فرد را اندازه بگیرد. روایی و پایایی این پرسشنامه مطلوب است (پلانت<sup>۴۲</sup> و بوکچینی<sup>۴۳</sup>، ۱۹۹۷). در اعتبارسنجی دیگری پایایی درونی این مقیاس بالا به دست آمده است ( $\alpha=0/95$ ) و ارزش ویژه‌ی یگانه‌ی عاملی که این پرسشنامه می‌سنجد قابل توجه است ( $Eigenvalue=6/76$ ) (فری‌هایت<sup>۴۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۶). به علت یک قطبی بودن سازه‌ی مورد سنجش، از طیف لیکرت چهار درجه‌ای استفاده می‌شود.

### روش اجرای پژوهش

از هر یک از سه ابزار که در مجموع ۶ متغیر را اندازه‌گیری می‌کنند دو عامل در تحلیل عاملی استخراج شد و به عنوان متغیرهای پنهان یا عامل‌ها در مدل قرار گرفت. به این صورت که بعد از انجام تحلیل عاملی اکتشافی، حذف گویه‌های با بار عاملی زیر  $0/40$  و محدود کردن تعداد عوامل به دو عدد، میانگین گویه‌هایی که از یک عامل بار می‌گرفتند محاسبه شد و در مدل ساختاری بر روی متغیرهای مشاهده‌پذیر قرار گرفت. به عنوان مثال، برای مقیاس سبک هویت هنجاری، دو گویه از نه گویه حذف شدند، چهار گویه بر روی یک عامل بار گرفت و سه گویه‌ی باقی‌مانده بر روی عامل دیگر. پس برای محاسبه‌ی عامل‌های نهایی که در مدل قرار می‌گرفتند، مجموع نمرات آن دسته خاص از گویه تقسیم بر تعداد آن‌ها محاسبه شد. به عنوان نمونه، در تحلیل عاملی گویه‌های ۳، ۵، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۶ و ۱۷ در مقیاس جزم اندیشی مربوط به یک عامل شناخته شدند؛ پس مجموع نمرات این هفت گویه تقسیم بر هفت برابر خواهد بود با یکی ( $f1 - DOG$  در شکل ۲) از دو متغیر مشاهده‌پذیر برای متغیر مکنون جزم اندیشی. برای طبقه‌بندی، پردازش و تحلیل داده‌ها و بررسی فرضیه‌های پژوهش، نرم‌افزارهای آماری SPSS-ver.25 و SPSS Amos-ver.24 به کار رفت. برازش مدل فرضی با استفاده از

اطلاعاتی (۹ گویه؛  $\alpha=0/77$ )، مقیاس سبک هنجاری (۹ گویه؛  $\alpha=0/75$ ) و مقیاس سبک پراکنده اجتنابی (۹ گویه؛  $\alpha=0/79$ ) می‌باشد. تفاوت عمده‌ی این نسخه با نسخه‌های پیشین اجتناب از عبارت‌های مختص دامنه‌ی خاصی از هویت است (مانند ارزش‌های دینی، باورهای سیاسی، گرایش‌های حرفه‌ای و رشته‌دانشگاهی) و بر آن است که عبارات حالتی خنثی داشته باشند مانند تصمیمات زندگی، اهداف، باورها، ارزش‌ها و مشکلات شخصی. ساختار عاملی، پایایی و روایی نسخه پنجم پرسشنامه سبک هویت پذیرفته شده است (بزرونسکی و همکاران، ۲۰۱۳). همچنین این پرسشنامه در جامعه ایرانی نیز روایی و پایایی کافی کسب کرده است (مرزبان و همکاران، ۱۳۹۷). تمام پاسخ‌های این پرسشنامه روی طیف لیکرت پنج درجه‌ای جمع‌آوری شده‌اند.

**۲. مقیاس دگماتیسم روکیچ:** مقیاس روکیچ مقیاسی ۲۳ سوالی برای سنجش جزم‌اندیشی است که بارها مورد بازنگری قرار گرفته است. این مقیاس چنین مفهوم‌سازی شده است که ملاک‌های زیر را زیربنای گویه‌های پرسشنامه نهایی قرار دهد و به سنجش افراد با سبک شناختی دگماتیک بپردازد: ۱- درجه روشنفکری و ذهن باز در مقابل ذهن بسته؛ ۲- اینکه آیا فرد باور دارد یک دیدگاه منفرد درست است یا اینکه ایده‌ها می‌توانند مختلف و حتی بر خلاف نظر فرد باشند؛ ۳- پایداری بیش از اندازه و احترام کورکورانه به مرجعیت و منابع قدرت. پایایی نسخه بازنگری شده توسط شرمن و لوین<sup>۴۰</sup> با آلفای کرونباخ  $0/79$  مناسب بوده است و در طی تحلیل عاملی تاییدی و دو آزمون اعتبارسنجی ۱۱ آیتم از ۲۳ آیتم مقیاس اولیه باقی‌مانده است. البته از مقیاس قبل از بازنگری، تهیه شده توسط روکیچ هم استفاده شده است چون اعتبار سازه‌ی بالایی دارد (شرمن و لوین، ۲۰۰۶). در این مقیاس نیز از طیف پنج درجه‌ای استفاده می‌شود.

**۳. پرسشنامه قدرت ایمان مذهبی سانتا کلارا<sup>۴۱</sup>:** مقیاسی ۱۰ گویه‌ای، کوتاه، آسان و کاربردی است که

42. Plante  
43. Boccaccini  
44. Freiheit

40. Shearman & Levine  
41. Santa Clara Strength of Religious Faith Questionnaire

### یافته‌ها

نمونه‌ی پژوهش حاضر از ۷۵ مرد (۴۶/۹ درصد) و ۸۵ زن (۵۳/۱ درصد) تشکیل شده بود. میانگین سنی و انحراف معیار سن افراد شرکت کننده به ترتیب برابر ۲۳/۲۸ و ۳/۷۸ به دست آمد. در این پژوهش، در راستای ارزیابی پایایی و همسانی درونی و کنترل اثر سو ترجمه، آلفای کرونباخ برای مقیاس سبک هویت هنجاری ۰/۷۴، برای مقیاس جزم اندیشی ۰/۷۰، برای مقیاس تعهد ۰/۸۴ و برای مقیاس قدرت ایمان مذهبی ۰/۹۳ به دست آمد.

روش مدل‌یابی معادلات ساختاری آزمون شد. در مرحله اول، تحلیل عاملی تأییدی برای ارزیابی برازش مدل اندازه‌گیری استفاده شد و در مرحله دوم، با بهره‌گیری از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری، الگوی ساختاری فرضی آزموده شد. برای ارزیابی برازش مدل از شاخص‌های  $\chi^2$ ، ریشه میانگین مربعات خطای برآورد  $\chi^2$ ، ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده  $\chi^2$ ، شاخص نیکویی برازش  $\chi^2$ ، شاخص برازش مقایسه‌ای  $\chi^2$ ، شاخص برازش هنجار شده  $\chi^2$  و شاخص برازندگی فزاینده  $\chi^2$  استفاده شد.

جدول ۱. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

سطح معنی داری $p < 0.05$	سبک هویت اطلاعاتی	سبک هویت پراکنده-اجتنابی	سبک هویت هنجاری	تعهد	ایمان مذهبی	جزم اندیشی
سبک هویت اطلاعاتی	۱					
سبک هویت پراکنده-اجتنابی	-۰/۱۴۴	۱				
سبک هویت هنجاری	۰/۰۳۸	۰/۳۵۱**	۱			
تعهد	۰/۲۱۲**	-۰/۴۰۹**	۰/۲۴۴**	۱		
ایمان مذهبی	۰/۱۱۹	-۰/۰۸۶	۰/۴۰۴**	۰/۳۴۲**	۱	
جزم اندیشی	-۰/۰۸۰	۰/۲۱۰**	۰/۵۹۲**	۰/۲۳۵**	۰/۳۶۸**	۱

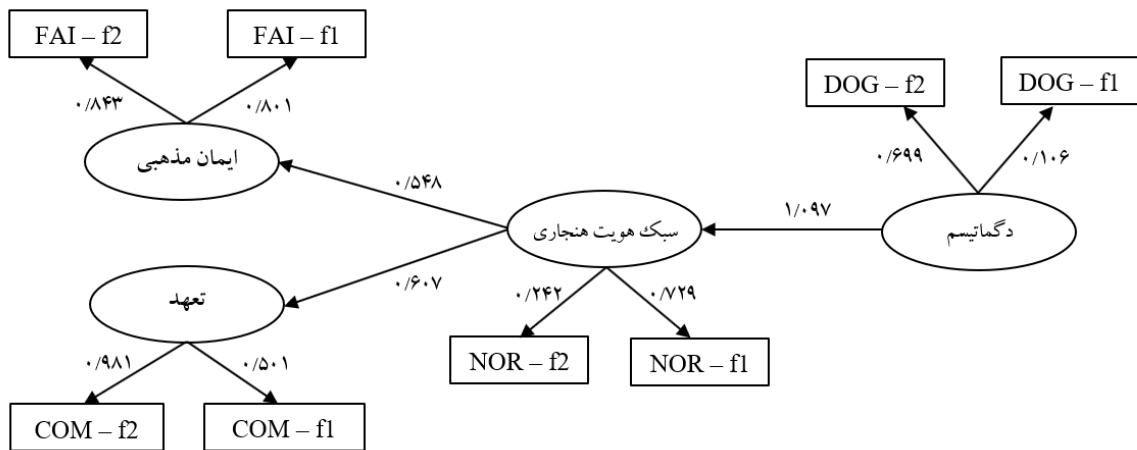
همبستگی معنادار مثبت دارد. ایمان مذهبی و تعهد نیز به صورت معنی دار همبسته اند. با توجه به دو سبک هویت دیگر که خارج از مدل هستند، مشاهده می‌شود سبک هویت اطلاعاتی با جزم اندیشی و سبک هویت پراکنده-اجتنابی با تعهد همبستگی منفی معنی دار دارند. طبق پیش بینی فرضیه، کارکرد مثبت تعهد به باورها در سبک هویت اطلاعاتی دیده می‌شود.

ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهشی در جدول شماره یک نشان داده شده است. خانه‌های علامت دار همبستگی‌های پیرسون معنادار را نشان می‌دهند. تمام همبستگی‌های معنی دار منطبق بر نظریه و موید مدل فرضی هستند. جزم اندیشی با هر سه متغیر سبک هویت هنجاری، ایمان مذهبی و تعهد رابطه‌ی مثبت معنی دار دارد. سبک هویت هنجاری نیز با تعهد و ایمان مذهبی

48. Goodness of Fit Index (GFI)  
49. Comparative Fit Index (CFI)  
50. Normed Fit Index (NFI)  
51. Incremental Fit Index (IFI)

45. Chi-square  
46. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)  
47. Standardized Root Mean Square Residual (SRMR)





شکل ۲. مدل ساختاری دگماتیسم، سبک هویت هنجاری، تعهد و ایمان مذهبی

جدول ۲. شاخص های برازش مدل ساختاری پژوهش							
IFI	NFI	CFI	GFI	SRMR	RMSEA	df	Chi-Square
۰/۹۴۲	۰/۸۹۲	۰/۹۴۰	۰/۹۵۵	۰/۰۳۷	۰/۰۸۱	۱۷	۳۴/۸۰۲

همانگونه که مشاهده می‌شود، جزم اندیشی با ضریب استاندارد ۱/۹۰۷ بر سبک هویت هنجاری تاثیر می‌گذارد و سبک هویت هنجاری به ترتیب با ضرایب استاندارد ۰/۶۰۷ و ۰/۵۴۸ بر تعهد و ایمان مذهبی تاثیر دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر تلاش کرده است از دیدگاهی هویتی و شناختی، عدم انعطاف پذیری و اصرار برخی افراد بر درستی باور هایشان را مورد بررسی قرار دهد و ترتیب عوامل را مشخص سازد چون شاید تصور شود چگونگی هویت است که به ظهور پدیده ای به نام دگماتیسم منجر می‌شود. در حالی که با نظر به پیشینه و نتایج پژوهش حاضر، مشخص می‌شود سبک شناختی و شیوهی پردازش اطلاعات در مغز فرد بر هر الگوی رفتاری یا وضعیت و سبک هویتی تقدم علی دارد. از طرفی می‌دانیم هویت یک مفهوم پویا است و ممکن است تحت عوامل مختلفی دچار تغییر و دگرگونی شود. برای نمونه، یکی از این عوامل ورود به دانشگاه است (برزنسکی و کوک، ۲۰۰۰). در حالی که تغییر سبک شناختی و پردازش ذهنی افراد بحثی به مراتب بنیادی تر است. با وجود این که امکان تغییر هویتی

علاوه بر غربال گویه ها در تحلیل عاملی اکتشافی که در بخش روش توضیح داده شد، در حین تحلیل مدل اندازه گیری و تحلیل عاملی تاییدی، ابزار به دو روش پالایش شدند. ابتدا ضرایب P کمتر از ۰/۴ حذف گردیدند و سپس با بررسی شاخص های کشیدگی و چولگی برای گویه ها، نمرات بیشتر از ۱+ و کمتر از ۱- برای جلوگیری از کاهش برازش مدل حذف شدند. در مدل ساختاری پژوهش متغیر های مکنون چهار متغیر توصیف شده هستند و برای هر متغیر مکنون، دو متغیر های مشاهده پذیر از تحلیل عاملی به شیوه ای که تشریح شد، بر روی مدل قرار گرفت. هر متغیر مشاهده پذیر در مدل، مجموع نمرات گویه های مربوط به یک عامل تقسیم بر تعداد آن ها، در یک پرسشنامه است. مدل ساختاری با چهار متغیر مکنون و هشت متغیر مشاهده پذیر در شکل شماره ۲ نشان داده شده است. ارزیابی این مدل با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی انجام می‌شود. شاخص های برازش که در جدول شماره ۲ ارائه شده اند، برازش مناسب این مدل را نشان می‌دهند. بنابراین، متغیرهای مشاهده پذیر به خوبی توانسته اند متغیرهای مکنون را عملیاتی کنند.

بیشتر است. متغیری که به هیچ عنوان از سه سازه مذکور جدا نمی‌شود مفهوم تعهد است. همان تعهدی که وضعیت هویتی مارسیا را آشکار می‌ساخت و در سبک هویت هنجاری عامل تعیین کننده است و در افراد جزم اندیش نسبت به باور هایشان وجود دارد. به علاوه تعهد مفهومی جدایی ناپذیر از مفاهیم دینی و ایمان است. ایمان مذهبی در بیشتر موارد با تعهد به آموزه‌ها همراه است به خصوص وقتی که بسیاری از مفاهیم دینی قابل تعریف تجربی و مشاهده پذیر نیستند و تاثیر بافت فرهنگی و جهت گیری والدین در پذیرفتن اعتقادات دینی انکار ناپذیر است. پس به طور کلی نتیجه گیری می‌شود بین سبک شناختی و پردازش فرد، پاسخ به تعارضات هویتی، تعهد بر باور ها و تمایل به ایمان داشتن رابطه ای مفهومی وجود دارد که توسط نتایج این پژوهش تایید می‌شود. امیدست پژوهش های آینده بیشتر به سازوکار و چگونگی تاثیر سبک شناختی بر هویت و پیامد های آن مثل ایمان و تعهد بپردازند.

### تشکر و قدردانی

نهایت تشکر را از همکاری تمامی شرکت کنندگان در پژوهش و اساتید گروه روان‌شناسی دانشگاه تبریز داریم.

### موازین اخلاقی

ملاحظات اخلاقی در پژوهش با جلب رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان رعایت شده است؛ هم‌چنین به افراد درباره محرمانه بودن اطلاعات پژوهش و نتایج پژوهش اطمینان داده شد.

### تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

### منابع

- Bakracheva, M. (2020). Identity in Adulthood—Stable or Flexible. *Open Journal of Social Sciences*, 8, 1-13.
- Berk, LE. Development through the lifespan. Tehran: Arasbaran publication: 2014. [in Persian]
- Berzonsky, M. D., & Barclay, C. R. (1981). Formal reasoning and identity formation: A reconceptualization. In J. A. Meacham & N. R. Santilli (Eds.), *Contributions to*

در بازه های مختلف سنی وجود دارد، تمرکز پژوهش بیشتر بر فرآیند ردیابی و ریشه یابی چرایی جزم اندیشی و هویت هنجاری است چون با وجود امکان تغییر، عده‌ی کثیری از افراد با همان وضعیت و سبک هویتی به زندگی ادامه خواهند داد. عوامل ژنتیکی و بافتی به هر نحوی منجر به اتخاذ یک نوع شیوه پردازش اطلاعات در مغز می‌شود. در این مورد خاص چنان الگوی پردازشی شکل می‌گیرد که پیش‌فرض های فرد از این دست گزاره‌ها هستند: همیشه درست از غلط قابل تمایز است، همواره از یک الگوی فکری برای حل مسائل استفاده می‌شود، روشنفکری بیش از اندازه مضر است، روند ثابت مطلوب است، اغلب افکارم صحیح اند، باید از مقام بالا دستی پیروی کرد و این فکر مخالف را باید نادیده گرفت. این شیوه از پردازش اطلاعات مشخص می‌کند فرد درگیر دگماتیسم است و با این سبک پردازش شناختی به تقابل تمامی مسائل خواهد رفت. اما در مرحله ای اساسی به سوالات و تعارضات هویتی برخورد خورد و از خود خواهد پرسید من چه کسی هستم. اینجاست که تاثیر سبک شناختی مرتبط با جزم اندیشی بر تعیین سبک هویت روشن می‌شود. با همان الگوی فکری و پیش فرض های ذهنی به اختیار کردن یک سبک هویت اقدام می‌شود و طبق یافته های این پژوهش به احتمال قوی این سبک، سبک هویت هنجاری و وضعیت هویت ضبطی خواهد بود. چرا که یک فرد جزم اندیش بیشتر تمایل خواهد داشت، بدون کاوش و تحمل بحران هویتی، به نظام خاصی از باور ها متعهد شود، باور های قطعی و به ارث رسیده‌ی خود را به چالش نکشد، زیر سوال نبرد و همیشه به دنبال سایه مرجعیت برای پیروی باشد. نتایج آماری به دست آمده رابطه قدرتمندی بین جزم اندیشی و سبک هویت هنجاری را نشان می‌دهند. تاثیر ایمان مذهبی در این میان تا چه اندازه می‌تواند موثر باشد. در چنین پژوهش هایی تعیین جهت رابطه‌ی علی هیچگاه قطعیت ندارد و نمی‌توان گفت ایمان مذهبی در اتخاذ سبک شناختی و سبک هویت بی تاثیر بوده است ولی طبق نتایج به دست آمده، وقتی سبک شناختی جزم اندیش به اختیار کردن سبک هویت هنجاری منجر شد، آمادگی فرد برای پذیرش آموزه‌ها و حس معنوی ایمان به عنوان پیامد این مسیر

- Adolescents in Tehran. *IJPCP*. 2005; 11 (2):164-175.
- Grotevant, H. D. (1987). Toward a process model of identity. *Journal of Adolescent Research*, 2, 203-222.
- Kerpelman, J., Pittman, J. F., & Lamke, L. M. (1997). Toward a microprocess perspective on adolescent identity development: An identity control theory approach. *Journal of Adolescent Research*, 12, 325-346.
- Marcia, J. E. (1966). Development and validation of ego identity status. *J. Personal Soc. PsychoL* 3: 551-558.
- Marzban A, Abedi MR, Nilforooshan P. Validity and Reliability of the Revised Identity Styles Inventory (ISI-5) among a Group of Iranian Adolescents. *JCP*. 2018; 2:1: 101-118.
- Palmer, D. L., & Klain, R. (1985). Dogmatic responses to belief dissimilarity in the "bogus stranger" paradigm. *Journal of Personality and Social Psychology*, 48, 171-179.
- Plante, T. G., & Boccaccini, M. T. (1997). The Santa Clara Strength of Religious Faith Questionnaire. *Pastoral Psychol*. Vol. 45, No. 5. 375-387.
- Rokeach, M. (1954). The nature and meaning of dogmatism. *Psychological Review*, 61, 194-204.
- Rokeach, M. (1960). *The Open and Closed Mind*, Basic Books, New York.
- Schwartz, S. J., Côté, J. E. & Arnett, J. J. (2005). Identity and agency in emerging adulthood two developmental routes in the individualization process. *Youth & Society*, 37(2), 201-229.
- Shearman, S. M., & Levine, R. L. (2006). Dogmatism Updated: A Scale Revision and Validation. *Communication Quarterly*. Vol. 54, No. 3, 275-291.
- human development. 5: 61-87. Basel, Switzerland: Karger.
- Berzonsky, M. D., & Adams, G. R. (1999). The identity status paradigm: Still useful after thirty five years. *Developmental Review*, 19, 557-590.
- Berzonsky, M. D., & Kuk, L. (2000). Identity Status, Identity Processing Style, and the Transition to University. *Journal of Adolescent Research*, Vol. 15 No. 1, 81-98.
- Berzonsky, M. D. (2011). A social-cognitive perspective on identity construction. In S. I. Schwartz, K. Luyckx, & V. Vignoles (Eds.), *Handbook of identity theory and research: Structures and processes*. Vol. 1, pp. 55-76. London, England: Springer.
- Berzonsky, M. D., Soenens, B., Luyckx, K., Smits, I., Papini, D. R., & Goossens, L. (2013). Development and Validation of the Revised Identity Style Inventory (ISI-5): Factor Structure, Reliability, and Validity. *Psychological Assessment*. Vol. 25. No. 3, 893-904.
- Bettinghaus, E., Miller, F., & Steinfatt, T (1970). Source evaluation, syllogistic content, and judgments of logical validity by high- and low-dogmatic persons. *Journal of Personality and Social Psychology*, 16, 238-244.
- Côté, J. E., & Levine, C. (1983). Marcia and Erikson: The Relationships Among Ego Identity Status, Neuroticism, Dogmatism, and Purpose in Life. *Journal of Youth and Adolescence*, Vol. 12, No. 1. 43-53.
- Davies, M. F. (1998). Dogmatism and belief formation: Output interference in the processing of supporting and contradictory cognitions. *Journal of Personality and Social Psychology*, 75(2), 456-466.
- Erikson, E. H. (1968a). *Identity: Youth and Crisis*, Norton, New York,
- Erikson, E. H. (1968b). Psychosocial identity. *Int. Encycloped. Soc. ScL* 7: 61-65.
- Freiheit, S. R., Sonstegard, K., Schmitt, A. & Vye, C. (2006). Religiosity and Spirituality: A Psychometric Evaluation of the Santa Clara Strength of Religious Faith Questionnaire. *Pastoral Psychol*. 55:27-33.
- Gharaai B, Atefvahid MK, Dejkam M, Mohammadian M. Identity Status of